



عکس: سنا از صفائی شهرآرا

گفت‌وگو با اکرم غلامی، کارآفرین و پیش‌ران جهاددانشگاهی در طرح الگوی نوین توسعه مشاغل خانگی که تولیدات کارگاهش به ۴ کشور صادراتی شود

پستوی مسجد جاده ابریشم شد

شهرآرا ۵۷
شماره ۳۴۲۲ روزنامه شهرآرا
۱۴۰۰ ۰۳ ۱۷
۲۸شنبه

فرارسیدن
تعطیلات تابستانی
به مادران مبارک!

نگاهی کوتاه به آسیب فرهنگی که
مادران را نشانه گرفته است

زنان و
فعالیت جزیره‌ای

زنان بدون گفت‌وگو و شناخت یکدیگر
نمی‌توانند حلقه‌های توانمند و
منسجم برای هم‌فکری
تشکیل دهند



شهر بانو

شهر بانو

۲۳ شنبه
۱۷ خرداد ۱۴۰۰
۲۶ شوال ۱۴۴۲ شماره ۳۴۰۲

(۲)



تکنم جاوید

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

(فروغ)

تقویت خود «من» به دست تیغ جراحی!؟

چرا زنان زیادی در روزهای کرونایی به جراحی زیبایی تن دادند

باشد، آن را به جان می‌خریم. اما اگر دقت کنید، خواهید دید آدم‌های بسیاری به‌ویژه خانم‌های بیشتری در روزهایی که تنها خودشان قادر به دیدن چهره کامل خود بودند، به جراحی زیبایی تن دادند. این یعنی «من خودم را این شکلی که هستم دوست ندارم». یعنی تحقیرهای بیرونی، سرزنش‌ها، ناتوانی‌های شغلی و مالی، بی‌عدالتی در محیط زندگی، کمبود تحصیلات، ناباروری و خیلی مشکلات دیگر آن قدر «خود» من را ضعیف و کوچک کرده است که حالا دیگر مطمئن هستم ریشه همه مشکلات به من برمی‌گردد. اگر توان تغییر در وضعیت بیرونی زندگی‌ام را ندارم، شاید با تغییر ظاهری، برخی مشکلات بسامان شود. یکی از دلایلی که زنان بسیاری پس از طلاق دست به انجام عمل‌های زیبایی می‌زنند همین است. آن‌ها پس از جدایی احساس بی‌کفایتی و حقارت خواهند کرد. با وجود آرامش ظاهری، عزت نفسشان به شدت آسیب دیده است و برای جبران بخشی از وجود خود، به ظاهرشان دست می‌برند.

تنهایی دوران کرونا هم برای خیلی‌ها رنج‌آور است زیرا آن‌ها را با کمبودهای درونی، احساس کمبودها و غم‌هایشان تنها می‌گذارد. در چنین شرایطی، آدم‌ها به سراغ کارهایی می‌روند که آنان را خوشحال و لحظه‌ای از کمبودها رها کند و وسوسه تبلیغات بیرونی برای جذاب‌شدن، ایجاد تنوع در زندگی دل‌مرده و کسل‌کننده یا دیده شدن از سوی دیگران، تن دادن به عمل زیبایی را توجیه می‌کند. اکنون، شاید بهتر باشد بدانید اگر چنین حال و روزی دارید، پیش از تصمیم برای جراحی یا پایان همه‌گیری کرونا، باید برای درمان روان خود حساس‌تر باشید.

تنها خواهرش را ۶ ماه است از ترس کرونا ندیده. مهمانی و رستوران هم تعطیل است. بیش از یک سال است به دلیل همه‌گیری کرونا و تعطیلی موقت محل کارش، هیچ‌کس به آن خانه نرفته است اما خبر جدید صدای اعتراض دوست و آشنا را درآورد. او که رفت‌وآمد عادی را ممنوع کرده بود چه‌طور از مطب پزشک سردرآورد؟ چه‌طور بینی‌اش را عمل کرد؟ در این اوضاع زندگی با ماسک، چرا لب‌هایش را تزریق کرده؟ و هزاران چرای دیگر. دفاع‌چندانی برابر این پرسش‌ها ندارد جز اینکه مطب‌ها خلوت‌اند و برای طی کردن دوران نقاهت در خانه این روزها بهترین فرصت است. بسیاری از زنان و حتی مردان جوان و میان‌سال دیگر هم که پولی داشتند و همیشه از ظاهر خود ناراضی بودند، در این ایام خطر بیمار شدن را به جان خریدند و از جراحی زیبایی نگذشتند. شاید خود شما هم از این دست باشید و خودتان را این‌گونه راضی کرده باشید که «من همیشه دنبال این جراحی بوده‌ام».

این رفتارها اکنون باید نگاه ما را درباره هدف از جراحی‌های زیبایی یا بهتر بگوییم دست‌کاری در چهره و عضوی از بدنمان به سوی دیگری تغییر داده باشند. انجام عمل‌های جراحی زیبایی ریز و درشت در همه دنیا در ایام کرونا اتفاق افتاد. یعنی آدم‌های زیادی درگیری ذهنی دارند.

پیش از این نارضایتی از چهره یا اندام را به کمبود اعتمادبه‌نفس یا نحوه رفتار و گفتار اطرافیان نسبت می‌دادیم که شاید از کودکی آزارمان داده بود و حالا که روشی برای درمان مشکل پیدا شده است، برای رفع آن، هرقدر هم هزینه بردارد یا خطر مرگ و میر پیش رویمان

(آفاق)

حمیده وحیدی

روزنامه‌نگار



مسافری شدم که بی‌خبر هر جایی می‌رویم

آتش‌سوزی در پالایشگاه تهران، چسبیدن فلزات به بدن افراد، حذف بخشی از مسکن نامزدهای ریاست‌جمهوری از سوی صداوسیما، تبلیغات و لایوهای متعدد نامزدهای شورای شهر در فضای مجازی، برگزاری نشست‌های انتخاباتی، رد و تأیید صلاحیت‌ها و تابستان داغ داغ ایران، تیر خبرهایی است که در هفته گذشته و در جامعه ایرانی، دست‌به‌دست شده‌اند. از طرفی، بالا و پایین کردن حاشیه جنجالی خواهر پانته‌آ بهرام در برنامه «هم‌رفیق»، مشکل روحی برادر بابک خرم‌دین و واکنش‌های فلان هنرپیشه، رفع توقیف فلان سریال خانگی و... همگی چیزهایی است که با فشردن یک دکمه می‌توان سراغش رفت و دوباره‌اش خواند و نظر داد. اگر حوصله یا وقتش را داشته باشید، می‌توانید در ۲۴ ساعت یکی از همین گزینه‌ها را انتخاب و دنبال کنید و به دلتان وعده دهید در واپسین نفس‌های کرونا قبل از واکنش‌های جمعی، نه‌تنها در محیط خانه، بلکه هر مکانی مانند مطب پزشک، سوپرمارکت، مترو و خیابان اطلاعات جدیدی به زندگی‌تان بیفزایید.

یک بار یکی از قدیمی‌های مشهد در صنعت هواپیمایی، از همان‌هایی که خیلی‌ها دلشان غنج می‌رود چند ساعتی کنارش بنشینند و یک دور توی فلکه آب همراهی‌اش کنند، در یک مصاحبه گفته بود: حدود ۷۰ سال پیش اگر کسی با هواپیما سفر می‌کرد، نامش فردای آن روز در روزنامه خراسان نوشته می‌شد. حالا کافی است این خبر را بگذاریم کنار مریخ‌نوردی که این روزها پیوسته برایمان تصاویری را از فضا مخابره می‌کند.

همین حالا که مطلب بالا را خواندید، یک دور فشرده‌ای از خبرهای هفته دوم خردادماه توی ذهنتان مرور شد. به گذشته رفتید و برگشتید. نمی‌دانم پای سیستم محل کارتان نشسته‌اید و از سایت شهرآرانیوز ما را دنبال می‌کنید یا روزنامه در دستانتان است و زیر خنکای کولر خانه‌تان (البته اگر برق قطع نشده باشد) دقایقی مطالعه آزاد دارید، اما کمی با خودتان فکر کنید احساسات دربار زندگی چیست؟ فکر نمی‌کنید روزها به سرعت می‌گذرند و ساعت‌ها پشت سر هم می‌دوند؟ آیا ثبات زندگی را درک می‌کنید یا پیوسته به این می‌اندیشید که در سفر هستید؟ سفری در مکان‌های متنوع و زمان‌های مختلف. شما در حال حرکتید. هر وقت دلتان بخواهد و در هر جایی می‌توانید با لمس یک دکمه، به آسانی، کنار دست یک آدم بنشینید، با او وارد زندگی‌اش شوید اشک بریزید، بخندید، برای تولدش شمع روشن کنید. می‌توانید به ۵۰ سال آینده بروید و پیش‌بینی‌ها در مورد هوش مصنوعی را ببینید و در یک مراسم فانتزی خدمتکارانی را که کارهایتان را انجام می‌دهند تماشا کنید.

اکنون به نظرتان این حجم از سفرهای لحظه‌ای و روزانه را باید از ویژگی‌های زندگی امروز پنداشت و آن را به عنوان تغییر در قرن ۲۱ ضروری خواند یا از اسارت رسانه‌هایی که زندگی ما را قبضه کرده‌اند رها شد؟

به گفته جامعه‌شناسان، مهم‌ترین ویژگی سفر، گریز از زندگی روزمره است، فرار از عقلانیت حاکم بر شهر که قاعده تداوم حیات در آن است. حالا به این فکر کنید روزانه چه تعداد سفر درون‌شهری یا خارج‌شهری دارید، چند عکس را لایک می‌کنید و اجازه می‌دهید دیگران همراهی‌تان کنند، چه تعداد صفحه را دنبال می‌کنید که بدون پشتوانه علمی و تخصصی و صرف سرگرمی پایه‌گذاری شده‌اند، چه افرادی و با چه نیتی ذهن شما را نسبت به چیزهایی که چه‌بسا باور هم ندارید سامان‌دهی می‌کنند، و پشت پرده سیاست هر رسانه چیست؟

اکنون یک سؤال که اگر دوست داشتید، پاسخش را با ما هم در میان بگذارید: فکر می‌کنید چرا پاتوق‌های گفت‌وگو برای برش مشکلات و جذب راهکارها در شهرها معنای حقیقی ندارند؟ آیا همان اندازه که غرق سفرهای لحظه‌ای هستیم به مطالبات عمیق هم فکر کرده‌ایم؟ آیا به‌واقع با شرایط فعلی بدون ایجاد زیرساخت‌های صحیح در زندگی فردی و اجتماعی جامعه سالمی را تحویل نسل آینده خواهیم داد؟ ما را در این بحث به صورت هفتگی همراهی کنید. همیشه هستیم در شهربانو، تحریریه شهرآرا.



دکتر
مهتاب
علی نژاد
جامعه شناس



نگاهی کوتاه به آسیب فرهنگی که مادران را نشانه گرفته است

فرارسیدن تعطیلات تابستانی به مادران مبارک!

برخی مادرها که فرزندان محصل در مقطع ابتدایی و متوسطه دور اول دارند، این روزها در تب و تاب امتحانات پایان سال پرمشغله تر از چند ماه قبل به نظر می‌رسند، مادرانی که با آغاز کرونا و مجازی شدن آموزش، علاوه بر نقش مادری، به ایفای نقش کمک‌معلمی نیز مجبور بوده‌اند. مادران زیادی از اینکه به دوره تعطیلات تابستانی نزدیک می‌شوند خوشحال هستند و امیدوارند با فرارسیدن تعطیلات مدارس بتوانند کمی هم برای خودشان وقت بگذارند و به برنامه‌های شخصی و فردی شان که یک سال است فرصت انجامش را نداشته‌اند رسیدگی کنند.

در یک گروه هم‌اندیشی مادران که با شروع کرونا و مجازی شدن آموزش به دلیل هم‌فکری و استفاده از تجربه‌های یکدیگر برای همراهی بهتر با فرزندان‌شان تشکیل شده بود، مادران از بی‌نظمی‌ها و نابلدی‌های مدیران سیاست‌گذار امر آموزش مجازی گله کرده و درباره خستگی‌هایشان از افزایش نقش کمک‌معلمی به وظایف مادری آن هم وقتی برای آن آموزشی ندیده‌اند، فشارهای روانی ناشی از کار فرزندان‌شان با سیستم آموزشی شاد و سرعت اینترنت و هدر رفتن بسیار زیاد زمان برای آپلود کردن تکالیف کلاسی

برای همیاری مادران مسئولیت‌پذیر باشید

نگرش جامعه به وظایف مادران باید از سوی سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی اصلاح شود زیرا تطابق نداشتن حجم وظایف مادران با سبک زندگی زن امروز فشارهایی روانی بر مادران تحمیل کرده است و روان‌رنجوری مادر امروز ایرانی و متعاقب آن جامعه را تهدید می‌کند. مادران باید از این حق برخوردار باشند که در کنار انجام نقش مادری، به نیازهای فردی خود نیز رسیدگی کنند. با این حال، از آنجا که تغییر یا اصلاح نگرش به‌ویژه در امور فرهنگی امری زمان‌بر و طولانی‌مدت است و در بهترین حالت و بالاترین سطح مسئولیت‌پذیری سیاست‌گذاران اجتماعی به شکیبایی اجتماعی میان‌مدت نیازمند است، به عنوان یکی از اعضای خانواده، دست‌به‌کار شوید و با برعهده گرفتن ساعتی اداره امور منزل از امور خدماتی نظافتی گرفته تا مراقبت از فرزند کوچک‌تر، برای مادر خانواده فرصت برقراری ارتباط همدلانه و وقت‌گذرانی با دوستانش را فراهم آورید. بگذارید مانند شما با گستردگی بخشیدن به دامنه فعالیت‌های اجتماعی بیرون از خانه، پیشرفت‌های فردی را تجربه کند و زندگی بانشاطی داشته باشد. اگر حال مادران خوب باشد، می‌تواند ستون نگهداری خانواده شود.

مادران را به عنوان یک انسان اجتماعی دریابید

وقت آن رسیده است که اشکالات فرهنگی‌ای که در زمینه وظایف نقش‌های مادران وجود دارد در فهرست الزامات اصلاح سیاست‌گذاری‌های اجتماعی قرار گیرد. عموماً تاکنون نگاه نقادانه سازنده به تکالیفی که نظام اجتماعی برای مادران در نظر گرفته از سوی جامعه و حتی خود زنان صورت نگرفته است. انتظارات اجتماعی از مادران شاید در گفتار، کمی تغییر کرده باشد اما در عمل و شیوه رفتار، هم‌چنان انتظار می‌رود یک زن وقتی نقش مادری را پذیرفت، خود را به کل وقف کانون خانواده و برآورده‌سازی تقاضاهای سایر اعضای خانواده کند. توجه به مادر به عنوان یک فرد که دارای شخصیتی مجزا از همسر و فرزندان باشد عمومیت اجتماعی نیافته است. هنوز تعداد فراوانی از افراد جامعه و چه‌بسا خود مادران تصور می‌کنند مادری یعنی فراموش کردن خود و حل شدن در شخصیت و نیازهای همسر و فرزندان. آیا اگر آگاهی اجتماعی و فرهنگی درباره آسیب‌های بلندمدت از خود بیگانه شدن مادران برای خودشان و جامعه افزایش یابد، باز هم جامعه از مادران انتظار دارد خود را به نفع خانواده فراموش کنند؟



با خودش می گفت
که خدا مانند
باز یکنی که زمانش
برای بازی تمام
شده است، به
او وقت اضافه
می دهد. پس از
این به بعد باید
زکات قلبی را که به
او برگشته است با
مهربانی بپردازد



عکس: سانا رضا نی / شهر آرا

گفت و گو با اکرم غلامی، کارآفرین و پیش‌ران جهاد دانشگاهی در طرح
الگوی نوین توسعه مشاغل خانگی که تولیدات کارگاهش به ۴ کشور صادر می‌شود

پستوی مسجد جاده ابریشم شد

درست است که مدت‌هاست دنیا و بعضی تعاملات میان انسان‌ها را خاکستری می‌بینیم، اما می‌دانیم وقتی برای دیگران خیر و خوبی بخواهیم، ابتدا خودمان از آن بهره می‌بریم، هرچند باز هم برایمان سخت است به نفع دیگران حتی در کنار منفعت خود کمک یا حتی فکر کنیم. اما اکرم غلامی، منفعت دیگران را به سود خود ترجیح می‌دهد. او سال‌ها پیش دچار ناراحتی قلبی می‌شود، تا پای مرگ می‌رود و دوباره به زندگی برمی‌گردد. از آن به بعد تصمیم می‌گیرد تا جایی که از دستش برمی‌آید به توانمندسازی بانوان آسیب‌دیده یا سرپرست خانوار کمک کند. حالا شمار کسانی که با آموزش‌های رایگان خیاطی و رزق و روزی‌شان را به دست می‌آورند یا کارآفرینی می‌کنند، از دستش در رفته است. او برای بانوان زیادی مستقیم و غیرمستقیم شغل ایجاد کرده است و هنوز هم دست رد به سینه کسی نمی‌زند، حتی اگر تخصص چندانی نداشته باشد.



سعیده آل ابراهیم

مادر یکی از هم‌کلاسی‌هایم خیاطی بلد است. به همین دلیل، پیش از رفتن به یک دوره سی و پنج‌روزه آموزشی گذراندم. به مرور، بنا به شرایط اقتصادی در دوران جنگ، پدرم در کنار ما حضور نداشت. مادرم با بچه‌های قدونیم‌قد تنها مانده بود. شاید دوازده‌ساله یا سیزده‌ساله بودم. می‌خواستم کمکی بکنم و فکر کردم حداقل می‌توانم برای مادر، برادر و خواهرانم لباس بدوزم تا از این نظر، صرفه‌جویی کنیم. به گفته خودش، در آن دوره سی و پنج‌روزه با چرخ خیاطی آشنا می‌شود و بعد از آن، الگوهای دیگر خیاطی نتیجه خلاقیت ذهن خودش می‌شود. یکی از روزهای چهارده‌سالگی‌اش، او را از مدرسه به خانه می‌برند، لباس‌هایش را عوض می‌کنند. و یک راست در حرم پای سفره عقد می‌نشانند. «چهره همسرم را تا یک ماه بعد از عقد ندیدم زیرا خجالت می‌کشیدم نگاهش کنم اما هنوز به یاد می‌آورم که چند ماه قبل از اینکه به خانه خودمان برویم، با همان چرخ خیاطی، ملافه‌های جهیزیه و لباس برای پاتختی‌ام را خودم دوختم. شوهرم در سماورسازی کار می‌کرد و برای اینکه چرخ زندگی‌مان بهتر بچرخد، تصمیم گرفتم من هم کار کنم. از تولیدی‌ها کار می‌گرفتم و در خانه سفارش‌ها را آماده می‌کردم.»

کس دیگری هم جای من باشد، فکرش را نمی‌کند که این لباس‌ها از دل زیرزمینی در یک مسجد به ۴ کشور دنیا صادر می‌شود. غلامی از نظر خودش، کار چشمگیری انجام نمی‌دهد. نمی‌خواهد شکست نفسی کند، اما فکر می‌کند توانمندی‌اش بیش از این حرف‌هاست. او می‌خواهد چراغی روشن کند تا مانند زنجیره دست به دست شود. پیش از شروع این کار، نذر می‌کند بذری را بکارد که شاخه‌های آن میان افراد زیادی منتشر شود. او حالا یک بانوی کارآفرین موفق و پیش‌ران جهاد دانشگاهی در طرح الگوی نوین توسعه مشاغل خانگی است.

+ خیاطی را با دوخت لباس برای خانواده‌ام شروع کردم تاریخ تولد شناسنامه‌اش نشان می‌دهد ۴۵ سال بیشتر ندارد. اهل مشهد است و تا دیلم درس خوانده است. در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمده و بخشی از حیاط خانه هردو پدر بزرگش به مسجد تبدیل شده است. شغل پدرش مربوط به حفاظت و حراست و مادرش خانه‌دار بود. با اینکه ۸ خواهر و برادر داشت، به این دلیل که فرزند دوم خانواده بود، خیلی زود مفهوم کمک به خانواده را درک کرد. او بانوی خوش‌برخوردی است و شمرده صحبت می‌کند. «بعد از دوره دبستان، متوجه شدم که

پیش از مصاحبه حضوری، این را می‌دانم که لباس عروس دخترانه می‌دوزند و کارشان به طور صددرصدی به ارمنستان، تاجیکستان، عراق و افغانستان صادر می‌کنند. البته قرار است مسیر صادرات به روسیه هم برای آن‌ها باز شود. غلامی گاهی محل کارگاه را تغییر می‌دهد تا فرصت اشتغال‌زایی برای زنان دیگر هم ایجاد شود. تاکنون در چهارراه گاز، رسالت، شهید چراغی، شهرک قدس، بولوار توس و نجف کارگاه داشته‌اند. وردی از کار خود در این محلات به جا گذاشته‌اند.

+ اینجا چراغی روشن است

آدرس کارگاه در زیرزمین یک مسجد واقع در محله توس است. از قضا در همین روز، محله‌شان در فهرست قطعی برق قرار دارد و میانه راه به ما اطلاع می‌دهند. نور آفتاب خودش را به داخل کشانده است، اما زور تاریکی در زیرزمین بر او چربیده است. پله‌ها تمام می‌شود و در همان نور کم، لباس‌های عروس بچگانه با تورهای سفید، مروارید و توپک‌های رنگی در رگال‌های جداگانه به صف شده‌اند. چرخ‌های خیاطی در نبود برق، در انتهای کارگاه آرمیده‌اند. بانوانی که تا دقایقی پیش کار می‌کردند، حالا یکی یکی بیرون می‌روند تا وقتی برق وصل شد، کارشان را از سر بگیرند. هر

✚ قلبی که رفیق نیمه‌راه شد

چند سالی به همین روال می‌گذشت، اما او می‌خواست کارش را توسعه بدهد. به همین دلیل، زمانی که ۲ فرزندش را به دنیا آورد، با همان سرمایه‌ای که پس‌انداز کرده بود، مغازه‌ای راه‌انداخت تا هم تولیدکننده و هم فروشنده باشد. «کار خوب پیش می‌رفت، اما کم‌کم به دلیل اینکه درِیچه قلبم نارسایی پیدا کرده بود، دچار ناتوانی جسمی شدم که هر روز هم بیشتر می‌شد. نمی‌توانستم راه بروم و کارهای شخصی‌ام را انجام بدهم. این موضوع باعث شد مغازه را جمع کنم.»

۲ سال فقط می‌توانست به جایی تکیه دهد یا دراز بکشد. به دلیل نارسایی درِیچه قلب، آب در ریه‌هایش پس‌داده می‌شد و سخت نفس می‌کشید. این ناتوانی باعث می‌شد روز به روز از انجام وسایل کار و چرخ خیاطی‌هایش جلو چشمانش بود و موجب ناراحتی‌اش می‌شد زیرا فکرش را هم نمی‌کرد دیگر نتواند یک پارچه را هم برش بزند، آن هم کسی که به اندازه موهای سرش برای دیگران چادر و مقنعه رایگان دوخته بود. غلامی یک سال در یک بیمارستان دولتی در نوبت عمل قرار گرفته بود زیرا آن زمان از نظر مالی این امکان را نداشتند که در بیمارستان دیگری عمل کند. «بعد از اینکه قلبم را جراحی کردند، مدتی را در کما و آی‌سی‌یو گذراندم. روزهای بدی بود و دردهای وحشتناکی داشتم. بعد از اینکه به خانه برگشتم، ناامیدی‌ام از قبل عمل هم بیشتر شده بود. با خودم فکر می‌کردم حالا عمل کرده‌ای، اما با این شرایط هیچ کاری نمی‌توانی بکنی و مانند یک جنازه متحرک شده‌ای.»

✚ تشویق از سوی همسایه دیوار به دیوار

در آن دوران، همسایه دیوار به دیوار آن‌ها به واسطه دوستی‌ای که با هم داشتند، پیوسته به او سر می‌زد و سعی می‌کرد او را برای برگشت به کار تشویق کند. پارچه می‌خرید و از او می‌خواست برش دهد. تقریباً ۳ ماه از عمل قلب من گذشته بود و چشم‌هایم را که باز کردم، دیدم با ۴ خانم دیگر از هم‌محله‌ای‌ها، ۴ چرخ راسته‌دوزی و ۲ سردوز در طبقه پایین خانه‌مان گذاشته‌ایم و مشغول کار هستیم. سرمایه‌ای هم نداشتیم و چرخ‌ها را قسطی خریده بودم.» هنوز وقتی از آن روزها تعریف می‌کند، حالش منقلب می‌شود. ماه‌های اول، به دلیل عمل جراحی سنگینی که پشت سر گذاشته بود، خیلی نمی‌توانست در کارها کمک کند، اما کم‌کم علاوه بر توان جسمی، توان روحی‌اش هم برگشت. با خودش می‌گفت که خدا مانند بازیکنی که زمانش برای بازی تمام شده است، به او وقت اضافه می‌دهد. پس از این به بعد باید زکات قلبی را که به او برگشته است با مهربانی بپردازد. «بعد از چند ماه، ۱۸ چرخ راسته‌دوز و ۶ چرخ سردوز گذاشتیم. ضمن اینکه تعدادمان از ۴ نفر به ۳۵ نفر رسیده بود به طوری که دیگر فضای خانه‌مان جواب‌گو نبود. به همین دلیل، خانه‌ای را در همان منطقه برای کار اجاره کردیم. اوایل شلوارهای ساده را به عنوان نمونه کار تولید می‌کردیم و بعد از مدتی، ۴۰ هزار لباس برای یک نهاد دولتی به ما سفارش دادند.» شرایط طوری پیش می‌رفت که آن‌ها باید به صورت مستمر، لباس‌های کار آن نهاد را می‌دوختند. انگار در عملی انجام‌شده قرار گرفته بودند که دیگر راه برگشتی نداشت.

غلامی هنوز به یاد دارد که گاهی تا ساعت ۴ صبح در حال برش پارچه‌ها بودند و صبح زود خیاط‌ها شروع به کار می‌کردند. «کار خیلی سریع روی روال افتاد، پشت سر هم سفارش قبول می‌کردیم و تعداد بانوانی که با ما در هر محله کار می‌کردند بیشتر می‌شد. تا به حال کارگاه را در رسالت، چراغچی، چهارراه گاز، شهرک قدس، بولوار توس و نجف برپا کرده‌ایم.»

✚ ردپای کارآفرینی در محلات

او از نظر خودش، حس و حال روزهایی را که بعد از بیماری به زندگی برمی‌گشت خوب به یاد دارد، همان دورانی که انگیزه‌اش را برای ادامه و توسعه کار قوی‌تر کرد. البته هنوز هم گاهی دردهای جسمی از آن سال‌ها وجودش را در برمی‌گیرد، اما مدت‌ها پیش تصمیم می‌گیرد این درد را کوچک کند و به هدفش فکر کند. «هدفم این بود که تا جایی که می‌توانم بانوان را توانمند کنم. به همین دلیل، به کارگاه در یک محل رضایت ندادم. از سال ۸۹، در مناطق حاشیه شهر مشهد کارگاه می‌زنیم و برای جابه‌جایی و تجهیز کارگاه بعدی هزینه می‌کنیم، اما به نظرم ارزشش را دارد. ضمن اینکه هر بار خانه‌مان را هم به همان محله‌ای می‌بریم که کارگاه در آن است.»

✚ اوهربار خانه‌اش را هم با کارگاه جابه‌جا می‌کند

۵ ماه پیش، مقصد کارناوال امید و اشتغال‌زایی آن‌ها به زیرزمین مسجدی در محله توس می‌رسد. در همین مدت کم، حدود ۵۰۰ نفر به این کارگاه وارد می‌شوند، آموزش می‌بینند و مشغول به کار می‌شوند. او معتقد است علاوه بر موضوع کاری، باید با کسانی که پا به این کارگاه می‌گذارند، دوست باشد و برایش مهم است اگر بانویی، یک روز در این کارگاه کار می‌کند، برای کار در هر زمینه و جای دیگری انگیزه بگیرد. «من رابطه دوستانه‌ای با همه کسانی که اینجا کار می‌کنند یا آموزش می‌بینند دارم. اگر دیگر در این فضا نباشند، باز هم تولدشان را تبریک می‌گویم و برایشان هدیه کوچکی می‌فرستم. تعدادی

از بانوان در بیرون از کارگاه با ما همکاری می‌کنند و من تا به حال یک بار هم آن‌ها را از نزدیک ندیده‌ام، اما اعتماد کرده‌ام و خوشبختانه اعتماد دوطرفه بوده است.»

✚ اعتیادی که با پیگیری به ترک منجر شد

به گفته‌او، ۹۰ درصد بانوانی که در این کارگاه کار می‌کنند مشکلاتی از این قبیل دارند که شوهر یا فرزندشان معلول است، سرپرست خانوار محسوب می‌شوند، همسرشان آن‌ها را رها کرده یا مصرف‌کننده است. غلامی به دلیل روحیه‌ای که دارد، نمی‌تواند در برابر این مشکلات بی‌توجه بماند. به همین دلیل، گاهی خودش هم برای حل مشکلات دخیل می‌شود. در غیر این صورت، تا حد امکان سعی می‌کند شنونده خوبی برای آن‌ها باشد. «دختری مدتی در این کارگاه با ما کار می‌کرد و بعد متوجه شدم که اعتیاد دارد. آن زمان دیگر با ما کار نمی‌کرد، اما هر مرتبه که از وضعیتش ناامید می‌شد، سراغم می‌آمد. من هم برایش وقت می‌گذاشتم و در نهایت او را برای ترک به کمپ بردم. حتی خانواده‌اش حاضر نبودند او را ببینند. من واسطه میان آن‌ها شده بودم. خوشبختانه این دختر ترک کرد. حالا ازدواج هم کرده است.»

مشکلات این چینی در محلات حاشیه شهر کم نیست و گاهی خواه‌ناخواه خانواده‌ها درگیر آن می‌شوند. خانم دیگری در این کارگاه کار می‌کند که دچار مشکل تشنج است. شاید روزی یک بار این اتفاق برایش بیفتد و ۳۰ دقیقه‌ای طول می‌کشد تا به حالت عادی برگردد. غلامی سعی می‌کند کارهای مربوط به او را کم و بدون استرس کند. «همان دعای خیری که این بانوان می‌کنند برای زندگی‌ام کافی است. مورد داشتیم که خانمی که در کارگاه کار می‌کرد، با من تماس گرفت. فرزندانش به من گفتند برایتان دعا می‌کنیم و برای پدرتان صلوات می‌فرستیم. مادرشان می‌گفت هر مرتبه که حقوق می‌دهید و برایشان چیزی می‌خرم دعایتان می‌کنند.»

✚ دریافت حقوق از اولین روز آموزش

او به هیچ کس برای کار «نه» نمی‌گوید، حتی آن‌هایی که تخصصی در این کار ندارند. در این کارگاه، بانوان از روز اول آموزش، دستمزد خود را دریافت می‌کنند. بعد از اینکه مشغول به کار می‌شوند نیز می‌توانند کارهای دیگری هم انجام بدهند و درآمد بیشتری داشته باشند. «بانوان زیادی هستند که بعد از آموزش یا کار در اینجا، برای خود کارآفرین شده‌اند. نمونه آن‌ها خانمی بود که با چرخ سردوز کار می‌کرد و حالا یک کارگاه بزرگ دارد. خواهر خود هم در کنار من کار را یاد گرفت و برای خودش در فضای دیگری لباس تولید می‌کند.»

همسر غلامی نیز چند سالی است در کنار او کار می‌کند، همسری که از نظر غلامی در انگیزه کاری او بسیار مؤثر بوده و همیشه حمایتش کرده است. همسر او و چند مرد دیگر کارهای برش را در مغازه‌ای که جدا از فضای کارگاه است انجام می‌دهند. غلامی معتقد است این شغل حجم اشتغال‌زایی بسیاری دارد و هر لباس ۱۰ تا ۱۵ نفر را درگیر کار می‌کند. «ما لباس‌ها را تولید می‌کنیم و با تاجران برای صادرات در ارتباط هستیم. در هر ماه دست کم ۱۰ تا ۱۵ هزار لباس تولید می‌کنیم. ۴۰ نفر در داخل همین کارگاه مشغول به کار هستند و تعداد دیگری بیرون از این فضا و در خانه‌هایشان با ما همکاری می‌کنند. اگر بتوانم وسیله کار مورد نیاز این بانوان در خانه را از کارگاه تأمین می‌کنم. در غیر این صورت، سعی می‌کنم برای آن‌ها وام جور کنم یا اینکه آن‌ها را به جایی معرفی کنم تا چرخ خیاطی خود را قسطی تهیه کنند.»

او با بازرگان‌هایی که برای خارج از کشور صادرات دارند کار می‌کند. اکنون برای برندهای دیگر سفارش قبول می‌کند، اما در حال ثبت برند خود است. ضمن اینکه برای فروش بی‌واسطه نیز برنامه‌هایی دارند. «قرار است امسال در نمایشگاه به ما غرفه‌ای بدهند تا واسطه از میان حذف شود و خودمان قرارداد ببندیم. البته به‌زودی یک مغازه در همین محله نیز اجاره می‌کنیم تا تک‌فروشی داشته باشیم.»

✚ تولید روزانه ۵۰ هزار ماسک در اوج کرونا

از ابتدای کرونا، نه تنها کار آن‌ها تعطیل نمی‌شد، بلکه در اوج همه‌گیری ویروس کرونا، کارهایشان را در کارگاه کنار گذاشتند، با ۱۰۰ نفر خیاط ماسک می‌دوختند و روزانه ۵۰ هزار ماسک به آستان قدس رضوی تحویل می‌دادند. «بعد از آن هم برای سفارش‌های نهادهای ماسک دوختیم، اما سفارش چند هزار تایی لباس هم داشتیم که عقب افتاده بود. دوباره کار خودمان را شروع کردیم. گاهی از این و آن می‌شنوم که کار نیست، اما هربار به کار و بار خودمان نگاه می‌کنم، می‌بینم در ۲۴ ساعت هم وقت کم می‌آوریم پس کار هست.»

غلامی زن را قلب خانواده می‌داند که اگر حالش خوب باشد، عشق را نشر می‌دهد. او به همین دلیل، به همه بانوانی که می‌خواهند در این کارگاه کار کنند می‌گوید اگر می‌توانید لبخند بزنید اینجا کار کنید.



شهربانو

۲۱ شهریور
۱۷ خرداد ۱۴۰۰
۲۶ شوال ۱۴۴۲ شماره ۲۴۲

(۵)



زنان و فعالیت جزیره‌ای

زنان بدون گفت‌وگو و شناخت یکدیگر

نمی‌توانند حلقه‌های توانمند و منسجم برای هم‌فکری تشکیل دهند



شهربانو

۲۳ شنبه
۱۷ خرداد ۱۴۰۰
۲۶ شوال ۱۴۴۲ شماره ۳۴۰۲

(۶)

کنند. البته انتقاداتی به این تلاش‌ها صورت گرفته است. برای نمونه، تمرکز بر گروه‌های خاصی از زنان مانند زنان سرپرست خانوار یا زنان نخبه همواره مطرح است که البته به دلیل اینکه چنین طرح‌هایی در ابتدای راه هستند، بسیار طبیعی است. نکته مهم این این است که این گام‌های کوچک و محلی طرح بانک زنان از سوی مراکز و نهادهای کلان حمایت و پشتیبانی شود تا ارتباطات اجتماعی در سطح کلان صورت گیرد و به عنوان درمان جدی پراکندگی زنان پذیرفته شود.

➤ حمایت‌های جزیره‌ای در کوتاه‌مدت پاسخ‌گو هستند

در نهایت، باید به این نکته اشاره کرد که لازمه هرگونه پیشرفت، غلبه همکاری‌های اجتماعی در قالب فعالیت‌های جمعی است. جامعه زنان از نداشتن انسجام اجتماعی که مانع ایجاد فعالیت‌های جمعی هدفمند و یکپارچه می‌شود رنج می‌برد. این مسئله نه تنها باعث پراکندگی و فعالیت‌های تکی زنان می‌شود که کمتر توسط افراد جامعه دیده می‌شوند، بلکه باعث می‌شود تا آسیب‌های عمده‌ای همچون ازهم‌گسیختگی اجتماعی در سطح کلان را به بار آورد. درست است که فعالیت‌های جزیره‌ای زنان ممکن است رضایت شخصی آن‌ها را در پی آورد اما در طولانی مدت، حذف آن‌ها از فعالیت‌های جدی سیاسی و اجتماعی را رقم می‌زند. این مسئله را نمی‌توان به فرایندهای کلی اجتماعی نسبت داد، بلکه باید نگاهی به جنس فعالیت‌های جامعه زنان داشت که به نوعی رخوت و خمودگی تنها نظاره‌گر فعالیت‌های اجتماعی است. حمایت از طرح‌هایی همچون بانک زنان و فعالیت‌های مدنی خودجوش از سوی زنان جامعه، چه از منظر حضور در بهبود فضای کسب و کار از طریق فعالیت‌های کارآفرینی و چه از منظر انجام مشارکت سیاسی در ساختار اجتماعی، می‌تواند آینده‌ای بهتر را برای موقعیت زنان به وجود آورد.

مادر تربیت‌فرزند در شرایط فعلی دچار مشکل شده‌اند. اکنون باید دید این گفت‌وگو مؤثر در کجای زندگی زنان نقش دارند. ضعف در ایجاد انسجام اجتماعی از سوی جامعه زنان، در سایر فرایندها و روندهای اجتماعی نیز خلل ایجاد می‌کند. یعنی این گونه نیست که فقط آسیب‌های آن متوجه جامعه زنان باشد بلکه تمامیت جامعه از این پراکندگی زیان می‌بیند. برای مثال در نمونه‌های مهم، سازگاری با جامعه و درونی کردن ارزش‌های مربوط به خانواده و تربیت فرزندان می‌تواند تحت تأثیر این جدایی‌گزینی‌های زنانه قرار بگیرد. جزیره‌هایی جدا از هم که هرکدام از آن‌ها الگوی تربیت فرزند و اداره امور خانواده را از الگوهای متفاوتی دریافت می‌کند و در نتیجه، می‌تواند نظم و تعادل اجتماعی را به مخاطره بیندازد. این مسئله مهمی است که همچون دیوار بلندی در برابر انواع سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌های کلان قرار گرفته و مانع از ایجاد یک اتفاق نظر جمعی و اجماع درباره شیوه‌های زیست اجتماعی می‌شود.

➤ ایجاد بانک‌های اطلاعاتی از زنان برای خودشان

البته برای رفع این دغدغه اجتماعی و پراکندگی جامعه زنان، ایجاد «بانک‌های زنان» در شهرستان‌های مختلف مورد توجه نهادها و ساختارهای سیاسی قرار گرفته است، مراکزی که با درج اطلاعات زنان کارآفرین و نخبه، زمینه‌های لازم را برای شناسایی این افراد و ایجاد ارتباطات لازم اجتماعی میان آن‌ها فراهم می‌آورند. ایده خلاقانه و مؤثر ایجاد بانک زنان می‌تواند برای مشکلات انسجام اجتماعی در میان زنان راهکار بسیار خوبی باشد زیرا زنان موفق و الگویی را شناسایی و معرفی می‌کند که در همین جامعه زندگی می‌کنند و با همه مشکلاتی که هست، با امکانات دمدستی، توانسته‌اند در وضعیت خود و اطرافیانشان تغییرهای بسیاری ایجاد

انسان جزیره نیست. یعنی تنها در گروه و همکاری با سایر انسان‌هاست که می‌تواند بقای خود را بهتر تضمین کند و منافع بیشتری نصیب خود و گروهش کند. این اولین اصل مورد قبول منطق دانان و فلاسفه است. اگر بخواهیم زاویه دیدمان را به جامعه زنان محدود کنیم، متوجه می‌شویم برخلاف پذیرفته شدن اصل همکاری برای ارتقای وضعیت فردی و گروهی، زنان کمتر از مردان از نظر اجتماعی انسجام دارند. انسجام اجتماعی را به طور ساده می‌توان نوعی احساس ارتباط، گرانش و تعامل با دیگران دانست که باعث ایجاد نوعی مسئولیت اجتماعی در میان افراد جامعه می‌شود. وقتی از ضعف انسجام اجتماعی در جامعه سخن می‌گوییم، منظور این است که زنان در ارتباط کمتری با گروه‌های اجتماعی قرار دارند. در نتیجه، از یک طرف از منافع همکاری محروم می‌شوند و از طرف دیگر، کمتر می‌توانند به ایفای نقش‌های اجتماعی جدی بپردازند. برای درک بهتر این مفهوم، کافی است همین حالا لیست نامزدهای شورای شهر را ببینید. چه تعداد از این زنان را می‌شناسید، از فعالیت آن‌ها آگاه هستید و می‌دانید که در بخش‌های مختلف درست کار کرده‌اند؟



دکتر محدثه جزایی
دبیر انجمن علوم سیاسی
شعبه خراسان

ایجاد زمینه‌های گفت‌وگوهای زنانه در نظر گرفته نمی‌شود. این مسئله به معنای این نیست که زنان با یکدیگر سخن نمی‌گویند، بلکه به این نکته مهم اشاره دارد که زنان دیرتر یکدیگر را برای ایجاد یک گفت‌وگو جدی پیدا می‌کنند، امری که می‌تواند معطوف به فقدان زیرساخت‌های لازم و برای آشنایی‌سازی‌ها و شناسایی گروه‌های هم‌فکر باشد. اهمیت این مسئله زمانی آشکارتر می‌شود که درمی‌یابیم در رابطه با وضعیت زنان، این رسانه‌های غرض‌ورز بیگانه هستند که می‌کوشند خط‌مشی و جهت‌فکری صادر کنند. این در حالی است که اکثریت جامعه زنان به آن‌ها توجهی نمی‌کنند و جایگزینی هم‌برای آن در دست‌شان وجود ندارد.

➤ انسجام اجتماعی و دربرگیری همه اقشار زنان

این روزها با تغییر سبک زندگی روبه‌رو هستیم و مشکلاتی که تنها با فرهنگ‌سازی حل نخواهد شد. مادران

➤ زنان دیرتر یکدیگر را برای گفت‌وگو جدی‌پیدامی‌کنند

دور بودن زنان از فعالیت‌های جمعی و فقدان سازمان‌دهی و انسجام اجتماعی باعث می‌شود شایستگی زنان از چشم سایر افراد پنهان بماند و زمینه برای بروز و ظهور صلاحیت‌هایشان فراهم نشود. در نتیجه، زمینه برای ازهم‌گسیختگی هرچه بیشتر و ناآشنایی افراد با یکدیگر بیش از پیش تشدید شود. چنین مسئله‌ای را به وضوح می‌توان حتی در شهرستان‌ها و محدوده‌های کم‌تراکم جغرافیایی مشاهده کرد. مشخص است این وضعیت پراکندگی زنان و ناآشنایی آن‌ها با فعالیت‌ها، صلاحیت‌ها و شایستگی‌های زنان دیگر در کلان‌شهرها به صورت بغرنج‌تری وجود دارد و مانع از ایجاد خواست‌ها و مطالبه‌های همسان می‌شود. برای نمونه، در مکان‌های عمومی مثل دانشگاه هم معمولاً فضایی برای گفت‌وگو میان زنان و



سکمه دوزی، هنر اصیل زنان ایرانی

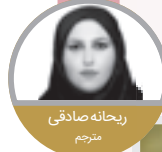
استقامت دادن به دوخت، نخ را چندلا می کنند و بعد، دوخت زنجیره یادندان موشی انجام می شود. بعد از این مرحله، باید خانه های تارکشی شده را دوخت. اگر مجموع خانه های تارکشی شده جدولی فرضی باشد، از سه گوش چپ جدول شروع به دوختن می شود و اگر هر ضلع مربع شماره گذاری شود، سمت راست هر خانه شماره یک، بالای خانه شماره ۲، سمت چپ شماره ۳ و پایین مربع شماره ۴ خواهد بود. اکنون سوزن نخ شده را از مرکز مربع درآورید، روی ضلع شماره یک ببرید و از شماره یک به شماره ۲ و از آن به ضلع شماره ۳ و سپس به مرکز مربع وارد می شود و در نهایت، از مرکز به ضلع شماره ۴ و دوباره از ۴ به مرکز سوزن وارد می شود. ۲ مرحله اول را به اصطلاح دوخت بدون خفت می گویند و باقی مراحل دوخت باخفت خوانده می شود. کار بدین جا ختم نمی شود بلکه در کنار طرح سکمه دوزی و در جهت تکمیل طرح، نقوشی مانند گل ها و برگ ها یا ختایی ها و اسلیمی هایی نیز با دوخت های مختلف رایج در سوزن دوزی همچون ساقه دوزی، ساتن دوزی، تیغ ماهی و... دوخته می شود. این چنین زیبایی طرح دوچندان می شود.

از هنرهای سنتی ایرانی مجموعه سوزن دوزی هایی است که پایه کار یکسان، اما با توجه به اصول دوخت، شکل نهایی متفاوت از دیگری خواهد بود. این مجموعه از سوزن دوزی ها بر پایه تارکشی انجام می شود. هر پارچه از تار و پود تشکیل شده است. بنابراین هنرمند برای رودوزی های مزبور باید تارها و پودها را طبق اصول دوخت مورد نظر از پارچه جدا کند که در اصطلاح سنتی، آن را تارکشی می نامند. یکی از انواع سوزن دوزی های سنتی ایرانی سکمه دوزی نام دارد. این هنر زیبا بیشتر در اصفهان رایج است و هنرمندان اصفهانی میراث هنری خود را هم چنان حفظ کرده اند. سکمه دوزی روی پارچه های کتانی انجام می گیرد زیرا پارچه کتانی دارای تار و پودی قابل شمارش است. البته پارچه هایی چون تترن ترگال نیز برای این هنر استفاده می شود. سکمه دوزی با نخ های دمسره یا ابریشمی دوخته می شود. زیبایی این هنر از آن جهت است که بخشی از تار و پود پارچه کشیده می شود و حالتی توری ایجاد می کند. از سکمه دوزی برای تزئین جای قرآن، بقچه، روی طاقچه ای، زیر بشقاب، رومیزی، کوسن و دستمال استفاده می شود. در این نوع سوزن دوزی اصول اولیه ای وجود دارد که در صورت اشتباه انجام دادن، نتیجه کار نیز مطلوب نخواهد بود. ابتدا طرح را روی پارچه می اندازند و بخشی را که قرار است سکمه دوزی شود مشخص می کنند. سپس تارها و پودهای پارچه را به گونه ای می کشند که سطح مورد نظر به صورت مربع مربع دربیاید. دور محل مورد نظر را با دوخت دندان موشی یا زنجیره فشرده می دوزند. برای



شهر همگان شهری برای همه شهروندان

اداره شهر همگان شهرداری مشهد از علاقه مندان برای شرکت در جشنواره بین المللی «شهر همگان» دعوت می کند آثار خود را در قالب فیلم کوتاه، پادکست و دکلمه، عکاسی، نقاشی، داستان، انیمیشن و موشن گرافیک و کاریکاتور با محوریت کودکان، بانوان، سالمندان و افراد دارای معلولیت به نشانی صاحب الزمان ۲۱، ساختمان عظیم، ارسال کنند. مهلت ارسال آثار، ۱۸ تیر تعیین شده است.



ریحانه صادقی
منجم



سردمداران احیای صنایع دستی آفریقا

قاره آفریقا از دیرباز به دلیل تنوع و زیبایی صنایع دستی خود مورد توجه بوده است. این میراث کهن مدت ها مرجع طراحان و تولید کنندگان مطرح بین المللی بوده است، اما اکنون مردم آفریقا، خود، دست به کار احیای آن شده اند.

در چند سال اخیر، هنرکاران بی شماری از سرتاسر این قاره پهناور در پروژه تولید دست سازه های هنری خلاقانه و مترقی برای جذب مخاطبان جهانی شرکت کرده اند. در این میان، با هرچه بیشتر دیده شدن این محصولات، نام و داستان زندگی زنانی که در این عرصه درخشان ظاهر شده اند بیش از هر زمان در کانون توجه قرار گرفته است.

این زنان با تکیه بر استعدادها و دانش خود، و با پشتکاری بی سابقه، کسب و کارهایی موفق و پیشرو بنا نهاده اند که به وسیله امرار معاش پایداری برای خود و مردمشان تبدیل شده است. این زنان روحی تازه در این صنعت دمیده اند و تعریفی تازه از زیبایی برای مخاطبان جهانی خود ارائه داده اند.

نمونه های این زنان کارآفرین خلاق در آفریقای امروز بسیاریند. در تونس، طراح پارچه، مریم بسبس، با احیای روش های رنگرزی سنتی کشورش که این روزها دیگر رویه فراموشی رفته اند، و با کمک زنان هنرکار بومی، به تولید مجموعه های نوآورانه پارچه مشغول است. در مراکش، میریام مورا بیت سعی دارد با بهره از میراث سنتی کشورش، به سرامیک سازی سنتی مراکش چهره ای به روز ببخشد. او با ساده سازی فرم ها و الگوهای سنتی نقوش روی سرامیک ها و اجرای این نقوش پرریزه کاری با دست، آن ها را به کالایی لوکس و مطابق با طبع مدرن تبدیل کرده است. در غنا، آکوسوا آفریبه کومی، بنیان گذار عنوان تجاری AAKS، طراحی با استعداد است که با کمک زنان هنرکار غنایی، به تولید کیف های دست ساز لوکس مشغول است. در کنار این زنان کارآفرین پیشرو در احیای صنایع دستی آفریقا، زنان هنرمندی حضور دارند که خالقان اصلی این دست سازه ها هستند، زنانی که با مهارت های منحصر به فردشان زمینه ساز رشد این صنعت در سرتاسر قاره بوده اند. آنچه همه این زنان را گرد هم آورده است هدف مشترکی است که دارند: توانمندسازی زنان و بازایی جایگاه صنایع دستی در جوامع معاصر. اولین جرقه های این رویداد در سال ۲۰۱۵ با آغاز به کار پویش ChooseArtisan در رسانه های اجتماعی خورد. ۶ نوامبر این سال بود که بیش از ۱/۵ میلیون نفر از سرتاسر دنیا طی بیش از ۵۰۰ پیام، یک صدا شدند تا توجه جهانی را به اهمیت استفاده از قدرتشان به عنوان خریدار و مخاطب این بازار برای رقم زدن اتفاقات خوب و اثرگذار جلب کنند. این گفت وگوها زمینه ساز طوفانی شد که از آن زمان تاکنون جهان فرا گرفته و هم چنان پویا و سازنده باقی مانده، طوفانی که تاکنون زمینه ساز تغییرات مثبت در زندگی افراد بسیاری بوده است.

به طور کلی، بخش صنایع دستی همواره بزرگ ترین حوزه اشتغال زا برای زنان بوده است. بسیاری از این زنان آفریقایی نیز برای تأمین نیازهای اقتصادی خود به این حوزه پیوسته اند. آن ها از این راه هم می توانند در حفظ سنت های دیرینه خود، آن هم با بالاترین کیفیت و چیره دستی هنری، سهمی داشته باشند. به علاوه، فرصتی به دست آورده اند، اکنون که دست سازه هایشان دیگر موارد استفاده پیشین خود را از دست داده اند، بار دیگر، به تکامل این هنرهای دیرین پرداختند.

منبع: تارنمای شیر زنان آفریقا و تارنمای اتحاد هنرکاران

women-۲۷/۹/۲۰۱۵/https://www.lionessesofafrica.com/blog

pioneering-the-development-of-africas-contemporary-artisanal-crafts

chooseartisan/۷/۱۰/۲۰۱۵/http://www.artisanalliance.org/fullblog

پاسخ به پرسش‌های حقوقی

زهرا شوشتری
کارشناس حقوق

در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرا را به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

+ بنده خودرویی از همکارم خریدم ولی متأسفانه سهل‌انگاری کردم و تعویض پلاک انجام ندم. همسر ایشان ماشین را به دلیل مهریه توقیف فیزیکی و سندی کرده است. حالا باید چه کار کنم؟

با توجه به اینکه خودرو مذکور هنوز به نام مالک است و آنچه در مراجع قضایی برای پیگیری اموری از قبیل توقیف و ...

جایگاه دارد که بتوان پیگیری درخواست را با توجه به آن ادامه داد و طرف دعوا قرار داد مالک اصلی است، توقیف خانم صحیح است زیرا به نام مالک اصلی اقدام کرده است و در اولویت قرار دارد. نمی‌توان با ادعای سهل‌انگاری از این اقدام جلوگیری کرد. به نظر می‌رسد با دادخواست ابطال معامله خودرو بتوان نسبت به ضرر اقتصادی وارده جبران خسارت کرد.

+ زنی شصت و هفت ساله هستم. بعد از فوت پدرم، مستمری بازنشستگی پدرم به مادرم تعلق گرفت. اکنون ۲ سال است که همسر من را از دست داده‌ام. درآمدی ندارم. مادر من نیز به تازگی به رحمت خدا رفته است. زیر پوشش بیمه تأمین اجتماعی فرزندم هستم (فقط برای دفترچه بیمه). آیا می‌توانم از حقوق بازنشستگی پدرم استفاده کنم؟ در صورت مثبت بودن، چند درصد از حقوق بازنشستگی پدرم را می‌توانم دریافت کنم؟

بله، اگر درآمد و همسر نداشته باشید، مستمری به شما تعلق می‌گیرد. میزان آن نیز به این بستگی دارد که آیا جز شما فرد دیگری از خانواده هم مشمول مستمری است.

+ همسر من ۱۵ سال است فوت شده است. من و دخترم که مجرد است حقوق دریافت می‌کنیم و من سرپرست محسوب می‌شوم. می‌خواهم همه حقوق را

به اسم دخترم برگردانم و تمام و کمال حقوق مستمری را دخترم بگیرد و اسم من از دریافت حقوق مستمری همسر من خارج شود. آیا امکان پذیر است؟

بله، طبق وکالت‌نامه‌هایی که مورد تأیید سازمان تأمین اجتماعی است، می‌توان سهم مستمری را به فرد مشمول دیگر واگذار کرد و از زیرمجموعه افراد مستمری‌بگیر خارج شد. فرایند این امور طبق اقداماتی که تأمین اجتماعی مشخص کرده است انجام می‌شود.

+ پدر من باغی داشت که با یک نفر دیگر نصف‌نصف شریک بود. باغ سند مادر داشت. پدر من ناگهان فوت کرد و سند مادر در مدارک نیست. در اداره ثبت اسناد هم فقط یک کپی هست ولی شریک پدرم که آدم درستی هم نیست چند سال پیش برای سهم خود سند تک‌برگ گرفته است و می‌گوید سند مادر دست ما نیست. خواهشمندم راهنمایی کنید چه طور می‌توانیم سهم خودمان را اثبات کنیم و سند بگیریم.

اگر در باره مالکیت نصف ملک مذکور مدارکی وجود داشته باشد، می‌توان با انجام انحصار وراثت به اداره ثبت مراجعه و فقدان سند مادر را اعلام کرد. سپس می‌توان برای درخواست کپی از سند مادر اقدام، و بعد از انجام امور اداری و ثبتی تقاضای صدور سند نسبت به قسمتی که مالکیت ثابت شده است، پیگیری کرد.

شهربانو

۲شنبه
۱۷ خرداد ۱۴۰۰
۲۶ شوال ۱۴۴۲ شماره ۳۲۰۲



شهرزاد

الهام یوسفی
فعال فرهنگی



باز هم قطعاً همه ما یک روز عجیب و غیرمعمول در زندگی داشته‌ایم. داستان «۲۴ ساعت از زندگی یک زن» به قلم اشتفن تسوایک تنها ۲۴ ساعت از زندگی خانم سین را روایت می‌کند، زن اروپایی بورژوا و میانه‌ساله که به تازگی متحمل رنج فقدان شده است و اکنون به دنبال هیجان‌ها و معناهای تازه برای زندگی خود، تصمیم می‌گیرد داستان زندگی‌اش را برای مردی جوان تعریف کند. او در این داستان از قدرت عشق، ظرفیت غریب تنهایی و افسوس‌های بی‌شمار می‌گوید، یعنی همه آنچه تاروپود زندگی یک انسان را می‌سازد. نویسنده کتاب با نگاهی دقیق و قلمی قدرتمند از پنهانی‌ترین انگیزه‌های یک زن که میل به حمایت و فرزندپروری و میل به مقبولیت و پذیرش از ساده‌ترین آن‌هاست سخن می‌گوید.

شاید بتوان گفت کتاب در واقع اعترافاتی است از یک زن سال‌خورده، اعتراف از ۲۴ ساعت از زندگی شخصی او که حتی با گذر زمان فراموش نشده است. تسوایک در این رمان کوتاه و خواندنی به بررسی عمیق این واکنش‌ها و روحیات آدمی می‌پردازد: ۲ انسان تنها، یکی جوانی تنها که اعتیاد به قمار دارد و دیگری زنی تنها که نیاز به عشق و همراه دارد. اشتفن تسوایک رمان نویسی، نمایشنامه‌نویسی، روزنامه‌نگار و زندگی‌نامه‌نویس اتریشی بود. در رشته فلسفه در دانشگاه وین تحصیل کرد و مدرک دکتری گرفت. از دیگر آثار او می‌توان به «شطرنج‌باز» و «ماجرای جوانی یک استاد» اشاره کرد.

+ بخشی از کتاب:

«در این چهره که دیروز مظهر تشنج و هیجان بود، در آن هنگام جز سکون و صفای بهشتی، سبکباری و آزادی چیزی دیده نمی‌شد. در برابر این منظره تعجب‌آور، ترس و وحشت را مانند لباس سیاهی که از تن درآورم و دور بیندازم، دور انداختم. دیگر خجالت نمی‌کشیدم. خودم را خوشبخت می‌دانستم. دیگر این پیش‌آمد دهشت‌آور و دور از عقل در نظر من بی‌معنی جلوه نمی‌کرد زیرا که اگر فداکاری من نبود، این جوان که مانند گلی آسوده و آرام در اینجا خوابیده بود، ممکن بود در آن هنگام با سر و صورت شکسته و خرد شده و چشم‌های باز و خون‌آلود روی تخته سنگی خفته باشد. با اضطرابی بیشتر از زحمتی که هنگام تولد بچه‌های خودم تحمل کرده بودم، به این جوان که زندگانی تازه‌ای به او داده بودم و در آن هنگام در خواب بود - کلمه دیگری نمی‌توانم پیدا کنم - به چشم مادری نگاه می‌کردم.»

نگاهی کوتاه به کتاب «۲۴ ساعت از زندگی یک زن»

یک زن در یک شبانه روز

زندگی فرایند بی‌پایان تجربیات تلخ و شیرین است. هر انسانی هم به‌ناچار باید در تنهایی این مسیر را طی کند. از سوی دیگر، همه ما در زندگی شخصی خود تجربه لحظه‌ها و دوره‌های کوتاهی را داشته‌ایم که تأثیر آن‌ها تا مدت‌ها باقی بوده است و شاید تا آخر عمر همراهمان باشد. دوره‌هایی که وقتی به آن‌ها فکر می‌کنیم علت رفتارهای خودمان را نمی‌یابیم. اگر در باره خودمان بی‌رحم باشیم، هیچ گاه خودمان را بابت گذشته نمی‌بخشیم. اما آنچه در این میان واضح و مشخص است این است که فاصله گرفتن از آن خاطرات همان قدر آزار دهنده است که پرداختن به آن لحظه‌ها. فکر کنید اگر بخواهیم ۲۴ ساعت و فقط ۲۴ ساعت از زندگی یک انسان را روایت کنیم، تازه می‌فهمیم چه حجمی از احساسات متناقض در میانه فقدان و اندوه و افسوس و تنهایی و رنج و آرزوهای بی‌کمران می‌تواند زندگی را در خود بگیرد. اگر همه این روزها مثل هم نباشند،



«۲۴ ساعت از زندگی یک زن»

• نویسنده: اشتفن تسوایک

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول
سید هادی فیاضی
سرپرست:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی